

حکمرانی خوب کلیدی ترین عامل در دولت ها

اسدالله مهرآرا^۱، سمیه هاشمی^۲، حسین پوراحمدعلی^۳

^۱ دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر-مازندران-ایران (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی دکترا دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر - مازندران - ایران

^۳ دانشجوی دکترا دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر - مازندران - ایران

چکیده

فرایند قاعده گذاری، اجرای قواعد، بررسی، نظارت و کاربست بازخوردها با اعمال قدرت مشروع و به منظور دستیابی به هدف مشترکی برای همه کنشگران و ذینفعان در چارچوب ارزش ها و هنجارها در محیط یک سازمان یا یک کشور را حکمرانی می گویند. یکی از مهم ترین عوامل اداره دولت ها در عصر جدید شیوه حکمرانی بوده که می گوید حکومت چگونه و با چه ابزاری در جهت رسیدن به بهترین مدل ارائه خدمات به شهروندان تلاش نماید. برای اولین بار در سندی از بانک جهانی با عنوان "آفریقا از زیر صحرا از بحران تا رشد پایدار" در سال ۱۹۸۹ مطرح شده است. منظور از حکمرانی خوب در این سند، اداره و تنظیم امور کشور و جامعه و رابطه دولت و شهروندان بر اساس دموکراسی، حاکمیت قانون، دستگاه قضایی مستقل است. همچنین در خصوص و اهمیت آن در دولت های پیشرو مطالبی عرض می شود و تجارب حکمرانی در کشورهای جنوب شرق آسیا به عنوان کشورهایی که از نظر فرهنگی نزدیک به کشور ایران هستند عنوان می شود.

واژه های کلیدی: حکمرانی، حکمرانی خوب، مشارکت شهروندان، UNDP، بانک جهانی

مقدمه :

حکمرانی خوب یک شیوه اداره مطلوب دولت بوده و نقشه راهی است که کشورهای مسلط جهان و کشورهای غربی پیش روی کشورهای جهان سوم قرار داده تا به این سمت حرکت نمایند. پس از جنگ جهانی دوم کشورهای غربی در پی برطرف کردن آثار جنگ، رفع مشکلات و عقب ماندگی های مالی و ترمیم خرابی ها بوده که در این زمینه سه رهیافت شامل: دولت بزرگ، دولت کوچک و الگوی حکمرانی خوب مطرح گردید. برای پیاده سازی الگوی حکمرانی خوب کشورهای نظریه پرداز استاندارد هایی را مطرح نموده که هر چه کشورها به این استاندارد ها نزدیک تر باشند اجرای این الگو به نحو مطلوب تری صورت پذیرفته است. بر طبق جدیدترین تعریف بانک جهانی، حکمرانی خوب، در اتخاذ سیاست‌های پیش‌بینی شده، آشکار و صریح دولت (که نشان‌دهنده شفافیت فعالیت‌های دولت است)؛ بوروکراسی شفاف؛ پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی در قبال فعالیت‌های خود؛ مشارکت فعال مردم در امور اجتماعی و سیاسی و نیز برابری همه افراد در برابر قانون، تبلور می‌یابد. به‌طور کلی می‌توان گفت که حکمرانی خوب، تمرین مدیریت (سیاسی، اقتصادی، اجرایی و...) منابع یک کشور، برای رسیدن به اهداف تعیین شده می‌باشد. این تمرین دربر گیرنده راهکارها و نهادهایی است که افراد و گروه‌های اجتماعی از طریق آن، توانایی دنبال کردن علایق و حقوق قانونی خود را با توجه به محدودیت‌ها داشته باشند.

گرچه در برخی از متون، حکمرانی خوب (Good Governance) به معنی دولت خوب (Good Government) نیز تعریف شده‌است، اما نمی‌توان این دو مفهوم را مترادف دانست، زیرا همه نهادهای جامعه در قوه مجریه خلاصه نشده و سایر نهادها نیز در روند اداره یک کشور به اندازه خود سهم می‌باشند. اما در میان بسیاری از اندیشمندان این اتفاق نظر وجود دارد که وجود دولت خوب، شرط لازم برای حکمرانی خوب است. کمیسیون اقتصادی، اجتماعی آسیا و اقیانوس آرام (ESCAP) اصول مهم حکمرانی خوب و عوامل مؤثر در تقویت این اصول را تبیین نموده‌است؛ حکومت‌ها با احترام نهادن به این اصول و اجرایی نمودن آنها، می‌توانند گام‌های مؤثری در روند توسعه پایدار بردارند.

مفاهیم و اصول حکمرانی خوب :

۱- مشارکت:

میزان مشارکت مردم در امور جامعه یکی از کلیدی‌ترین پایه‌های حکمرانی خوب به‌شمار می‌رود. مشارکت می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم (از طریق نهادهای قانونی) صورت گیرد. البته نمی‌توان انتظار داشت که در نظام تصمیم‌گیری یک کشور، تمامی نظرات موجود مد نظر قرار گیرد، بلکه مفهوم مشارکت در اینجا، اشاره به آزادی بیان و تنوع دیدگاه‌ها و سازماندهی یک جامعه مدنی دارد.

۲- حاکمیت قانون:

حکمرانی خوب نیازمند چارچوب عادلانه‌ای از قوانین است که در بر گیرنده حمایت کامل از حقوق افراد (بویژه اقلیت‌ها) در جامعه بوده و به صورت شایسته‌ای اجرا گردد. لازم است ذکر شود که اجرای عادلانه قوانین، مستلزم وجود نظام قضایی مستقل و یک بازوی اجرایی (پلیس) فساد ناپذیر برای این نظام می‌باشد.

۳- شفافیت:

شفافیت، به معنی جریان آزاد اطلاعات و قابلیت دسترسی سهل و آسان به آن برای همه است. همچنین شفافیت را می توان آگاهی افراد جامعه از چگونگی اتخاذ و اجرای تصمیمات نیز دانست. در چنین شرایطی، رسانه های گروهی به راحتی قادر به تجزیه و تحلیل و نقد سیاست های اتخاذ شده در نظام تصمیم گیری و اجرایی کشور خواهند بود.

۴- پاسخگویی:

پاسخگویی نهادها، سازمان ها و موسسات در چارچوب قانونی و زمانی مشخص در برابر اعضاء خود و ارباب رجوع، از جمله عواملی است که به استوار شدن پایه های حکمرانی خوب در یک جامعه منجر می شود.

۵- شکل گیری وفاق عمومی:

همانگونه که بیان گردید، فراهم نمودن زمینه ظهور نظرات متفاوت در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، از جمله اصول حکمرانی خوب می باشد. حکمران خوب، باید نظرات مختلف را در قالب وفاق ملی عمومی به سمتی رهنمون گردد که بیشترین همگرایی را با اهداف کل جامعه داشته باشد. ایفای این نقش حیاتی نیازمند شناخت دقیق نیازهای بلندمدت جامعه در مسیر حرکت به سمت توسعه پایدار می باشد.

۶- حقوق مساوی (عدالت):

رفاه و آرامش پایدار در جامعه، با به رسمیت شناختن حقوق مساوی برای تمامی افراد ممکن خواهد بود. در جامعه باید این اطمینان وجود داشته باشد که افراد، به تناسب فعالیت خود در منافع جامعه سهیم خواهند بود. به عبارت دیگر در حکمرانی خوب، همه افراد باید از فرصت های برابر برخوردار باشند.

۷- اثر بخشی و کارایی:

از حکمرانی خوب به عنوان ابزاری برای تنظیم فعالیت نهادها در راستای استفاده کارا از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست نیز یاد می شود. کارایی و اثر بخشی در مقوله حکمرانی از جمله مباحثی است که با گذشت زمان، اهمیت بیشتری پیدا نموده است.

۸- مسئولیت پذیری:

مسئولیت پذیری را می توان یکی از کلیدی ترین مولفه های حکمرانی خوب به شمار آورد. در کنار موسسات و نهادهای حکومتی، سازمان های خصوصی و نهادهای مدنی فعال در جامعه نیز باید در قبال سیاست ها و اقدامات خود پاسخگو باشند. باید عنوان نمود که اصول حکمرانی خوب به صورت زنجیرای متصل به هم بوده و اجرایی شدن هر کدام از آنها، مستلزم اجرای سایر اصول می باشد. برای مثال نمی توان انتظار داشت که مسئولیت پذیری و پاسخگویی بدون وجود شفافیت و حاکمیت قانون جنبه اجرایی چندانی در جامعه داشته باشد.

در حکمرانی خوب شراکت بین سه رکن اصلی جامعه مدنی، دولت و بخش خصوصی است که گاهی فراتر از مشارکت می باشد این شراکت باعث می شود تا امور عمومی و مسائل عمومی به شکل بهتری و بهینه تری حل شود. ارتباط بهینه سه بخش یاد شده زمینه تحقق حکم رانی خوب را در ابعاد مختلف فراهم می کند.

حکم رانی دارای سه رکن اقتصادی، سیاسی و اداری است. بعد اقتصادی شامل فرایندهایی است که فعالیت های اقتصادی یک کشور را تحت تاثیر قرار می دهد و با اقتصاد کشور های دیگر در ارتباط است.

بعد سیاسی همان فرایند تصمیم گیری برای تنظیم سیاست ها است و بعد اداری نیز همان فرایند اجرای خط مشی است.

حکمرانی همان تمرین قدرت اقتصادی، سیاسی و اداری کشورها در تمام سطوح به معنای ایجاد توسعه پایدار انسانی است در نتیجه بین توسعه انسانی و دولت خوب یک رابطه قوی وجود دارد.

پیشینه موضوع: حکمرانی خوب عبارت جدیدی است که از دهه ۱۹۸۰ با اعمال نفوذ از سوی برخی از نهادهای بین المللی وارد ادبیات توسعه شده است. بانک جهانی اولین مرجع معتبری بود که در این خصوص نظریاتی را ارائه نمود. پس از اجرای سیاست های تعدیل ساختاری مورد نظر بانک جهانی و تشویق کشورهای در حال توسعه به خصوصی سازی، مقررات زدایی و سایر اصلاحاتی که غالباً رویکرد اقتصادی داشتند با مشخص شدن نتایج این سیاست ها در کشورهای مذکور و ناکامی در تحقق اهداف مورد نظر رویکردهایی از جمله حکمرانی خوب مورد توجه کشورها قرار گرفته و در اغلب کشورها روابط بین دموکراسی و توسعه اقتصادی مورد بحث قرار گرفت

UNDP نیز به عنوان متولی این امر در بیش از ۱۶۶ کشور دنیا به فعالیت مشغول است و متخصصان این مرکز به کشورهای مختلف در راستای کمک به حل چالشهای توسعه ملی و جهانی کمک می کنند. الویت های این مرکز جهانی در خصوص حکمرانی خوب به شرح ذیل می باشد.

۱- نهادهای حکمرانی: مجموعه دستگاه های قضائی، حقوقی و اجرایی

۲- مدیریت بخش خصوص و عمومی ارتقا قابلیت های بخش خصوصی و عمومی اصلاح ساختار و فرایندها

۳- عدم تمرکز و حاکمیت محلی: حمایت از حکومت های محلی و توجه به بازیگران رسمی و غیر رسمی و نیز بازیگران محلی و منطقه ای و ملی

۴- سازمان های مدنی و غیر دولتی

۵- حکمرانی در شرایط خاص از قبیل بحران ها و حوادث

شاخص هایی مانند مشارکت شهروندان، دولت محوری، توسعه اجتماعی و مدیریت اقتصادی را برای حکمرانی خوب معرفی نموده اند و معتقد هستند به هر میزان در دستیابی به ویژگی های معرفی شده موفقیت حاصل شود به حکمرانی خوب نزدیک میشود. جدول ذیل به بیان شاخص های یاد شده می پردازد. (Huther and Shah, 2000)

نام شاخص	شاخص های جز
۱- مشارکت های شهروندان	آزادی سیاسی پایداری سیاسی
۲- دولت محوری	کارایی قضایی کارایی اداری فساد پایین
۳- توسعه اجتماعی	توسعه انسانی توزیع عادلانه
۴- مدیریت اقتصادی	توجه به بیرون استقلال بانک مرکزی برگشت به سود نسبت به نرخ (GDP)

همانطور که ملاحظه می شود شاخص های چهارگانه فوق در راستای دستیابی به اهداف حکمرانی پیشنهاد شده و کارکردهای هر یک نیز در ستون دوم پیش بینی شده است. برای مثال دولت محوری ویژگی حکمرانی خوب است که نتیجه آن کارایی قضایی، کارایی اداری و فساد پایین خواهد بود.

Undp نیز خصوصیات و شاخص هایی برای حکمرانی خوب معرفی می کند که در آن بر پاسخگویی، اجماع محوری، مشارکت، قانون محوری، کارایی و اثربخشی، عدالت و برابری، مسئولیت پذیری و شفافیت تاکید شده است.

اقدامات UNDP در کشورهای جهان سوم برای اعمالی حکمرانی خوب به شرح زیر است:

۱- بسط و دستیابی به عدالت

۲- بهبود فرآیندهای حقوقی

۳- ایجاد سیستم و مکانیزم های انتخابی کارآمد

۴- پاسخگو بودن نهادهای عمومی

۵- گسترش دستیابی به عدالت

در ایران نیز این مرکز در سالهای گذشته فعالیت ها خود را شروع نموده است و به مطالعات در بخش های مختلف دولتی و مدنی به منظور بستریابی حکومت داری خوب پرداخت است.

فساد و حکمرانی

فساد را عموماً سو استفاده از مناصب دولتی برای تامین منافع شخصی تعریف می کنند. صرف از نظر از بحث های مربوط به طبقه بندی فعالیت های معین در زمره فعالیت های فاسد یا غیر فاسد و نیاز به ریز کردن فساد، گزارش های زنده و روزمره در مطبوعات و گفت و شنود های مردم، حد و مرز بحث مربوط به فساد را تعیین می کند، اما حکمرانی، مفهومی بسیار گسترده تر از فساد دارد. از دیدگاه کنترل فساد حکمرانی دارای سه مولفه است:

الف) حق اظهارنظر و پاسخگویی که شامل آزادی های مدنی، آزادی مطبوعات و ثبات سیاسی است

ب) اثربخشی دولت که شامل کیفیت سیاست گذار فقدان موانع قانونی است

ج) حاکمیت قانون که شامل حفاظت از حقوق مالکیت و استقلال قضایی و کنترل فساد است

پژوهش های متعدد تاثیر زیان بار فساد بر توسعه را نشان داده است که سب کاهش نرخ رشد کشورها می رسد. تحقیقات اعلام می کند چنانچه بنگلادش فساد را تا رسیدن به سطح سنگاپور کاهش می داد و نرخ رشد سالانه این کشور ۴ درصد میشد که به معنایی افزایش ۵۰ درصدی درآمد سرانه است.

دلایلی که فساد باعث کاهش رشد اقتصادی می شود به شرح زیر است:

۱- عدم تخصیص بهینه استعداد ها

۲- سطوح پایین تر سرمایه گذاری داخلی و خارجی

۳- توسعه و رشد ناموزون کسب و کار

۴- ناموزونی هزینه ها و سرمایه گذاری عمومی

۵- دولت بیش از حد متمرکز

۶- کاهش درآمدهای عمومی و عدم برقراری حاکمیت قانون

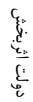
حکمرانی بد باعث کاهش نرخ رشد درآمد و سرمایه انسانی می شود و سرعت به پایان رسیدن منابع طبیعی را افزایش می دهد، این امر غالباً نتیجه حضور گروه های ذی نفوذ سیاست مداران و نخبگان است، به علاوه در دولت های با حکمرانی بد شاهد مجموعه اختلال زایی از سیاست های اقتصادی و نهادی هستیم که بهره وری عوامل تولید، رشد اقتصادی و ریشه کنی فقر را کند می کند.

ساختار دولت ایران از دوساختار اجتماعی و فرهنگی نشات گرفته است. (آشوری ۱۳۷۶) همین شکل اجتماعی و فرهنگی باعث بوجود آمدن نوع خاصی از حکومت در ایران شده که توأمان بر اسلامیت نظام (اصل چهارم و پنجاه و شش قانون اساسی) تاکید می شود. قانون اساسی در زمان کوتاهی شکل گرفت. از جمله وظایف و کارکردهای قانون اساسی کیفیت توزیع قدرت سیاسی و سازماندهی اقتدار می باشد. در نتیجه مولفه های حکمرانی باید در قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته و تنظیم گردد. از مفروضات اساسی قانون اساسی این است که قانون اساسی بایستی مشتمل بر اصول و احکامی باشد که قاعده سازگاری درونی در آن لحاظ گردد.

شیوه اداره امور عمومی در ایران اغلب بر اساس تمرکز و با قاعده عدم تراکم صورت می گیرد. بر اساس تمرکز یعنی کلیه امور کشوری به خصوص وضع قوانین ، امور مالی و مالیاتی ، سیاست خارجی منبعث از مرکز واحد ، با ابتکار دولت مرکزی و توسط کارگزاران آن بر اساس اصل سلسله مراتب صورت می گیرد. اما بر اساس قاعده عدم تراکم ، امور محلی از امور ملی تفکیک شده و توسط کارگزاران مرکزی با رعایت سلسله مراتب در محل اعمال می گردد. مردم نیز در شکل دهی نهادهای انتخاباتی مشارکت دارند، که فرآیند انتخابات از مصادیق عینی آن است. (هداوند، ۱۳۸۴)

در ادامه با ارائه جدول مولفه ها ، ارزشها ، ابزار ساختاری و کارکردهای الگوی دولت در حکمرانی خوب به تبیین حکمرانی خوب می پردازیم.

مؤلفه ها	ویژگی ها و ارزش ها	ابزارهای ساختاری مناسب	کارکردها
دولت دموکراتیک	مدیریت دموکراتیک اصول حاکمیت مردم شهروند مداری حاکمیت دولت به جای تصدی گری دولت محوریت قانون انتخاب شهروندی	عدم تمرکز ساختار دموکراتیک به جای بروکراتیک ارتباطات و اطلاعات باز قوانین شفاف الگویی انتخاب عقلایی	اداره امور عمومی بر مبنای خواست اکثریت رسانه های آزاد و اطلاع رسانی قوی افزایش آگاهی شهروندان نسبت به حقوق خود جامعه مرکب و دموکراتیک
دولت مشارکتی	مدیریت مشارکتی مشارکت آزاد و واقعی تاکید بر نقش نهادهای مدنی اعتماد عمومی جامعه مرکب	ساختار مسطح به جای سلسله مراتبی الگویی مشارکتی و مشورتی در روش های تصمیم گیری تفویض اختیار و قدرت نظام شراکتی ارتباط باز و منعطف	تعامل و مشارکت شهروندان با دولت همکاری دولت با سایر بخش ها افزایش اعتماد عمومی ایجاد سینرژی در نیروهای موجود جامعه فرصت مساوی و واقعی جهت ابراز عقیده
دولت پاسخگو	مدیریت پاسخگو پاسخگویی شهروندی همراهی مسئولیت با قدرت ممیزی های مالی و برنامه ای نظارت صاحبان و مالکان اصلی	عدم تمرکز کنترل محلی بر بروکراسی ساختار حرفه ای در بروکراسی توازن قدرت با مسئولیت پاسخگویی غیر سلسله مراتبی	افزایش اعتماد عمومی تقویت سرمایه اجتماعی کاهش فساد اداری تعامل مکرر شهروندان با دولت حسابرسی اجتماعی به منظور ایفای مسئولیت های اجتماعی
دولت عدالت محور	مشارکت عادلانه دسترسی اقلیت های به ساختار قدرت حق برابر شهروندی مدیریت متکی بر عدالت	نظام های توزیع محلی نظام گزینش بر مبنای شایسته سالاری نظام بودجه بندی منعطف الگویی جامعه مرکب	توزیع مساوی خدمات دولتی تحقق عدالت اجتماعی تامین حقوق فردی رفع هر گونه تبعیض نژادی

رضایت مندی شهروندان	ساختار ارزیابی صحیح	مدیر دولتی متعهد	
حاکمیت اخلاق در خدمات دولتی	تعیین اهداف عملکرد	فزونی نیروهای تحول آفرین	
بهبود مستمر فعالیت ها و عملکرد	نیروی انسانی حرفه ای	نگرش راهبردی و تعیین دقیق راهبردها	
استفاده اثربخش از منابع کمیاب	مسئولیت اداری اثربخش	کیفیت و توان بالای نیروی انسانی	
رسیدگی به مشکلات شهروندان	یکپارچگی و همسویی اهداف		

در الگوی جدید که جزئیات آن در جدول فوق تدوین شده است بر دولت دموکراتیک تاکید شده که به دنبال ارزشهایی مانند آزادی، عدالت، انصاف برابری، مشارکت شهروندان در اداره عمومی و شهروند مداری می باشد. بر دولت مشارکتی تاکید دارد که درصدد جلب مشارکت مردم در انجام امور و سپردن کارها به دست آنها است.

بر دولت پاسخگو تاکید دارد که سبب شفافیت در ساختار دولت، کاهش فساد اداری افزایش اعتماد و تقویت سرمایه اجتماعی خواهد شد.

انجام حکمرانی خوب در ایران

پاسخگویی بیرونی	پاسخگویی درونی
<p>اقدامات ملی</p> <p>آزادی بیشتر اطلاعات و افشای عمومی فعالیت های دولت</p> <p>برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه</p> <p>دعوت به بحث و نقد عمومی سیاست ها توسط نمایندگان جامعه مدنی</p> <p>انتشار داده ها در خصوص کیفیت حکمرانی</p>	<p>توازن قوا و نظارت ملی</p> <p>افزایش اقتدار و توانمندی نظارتی</p> <p>تضمین استقلال قوه قضایه</p> <p>افزایش توانایی حرفه ای مجلس و قوه قضایه</p> <p>توانمندی نهادهای نظارتی مستقل و سپردن حسابرسی به آنها</p>
<p>اقدامات محلی</p> <p>ترویج سازو کارهای بازخورد از مشتریان به ارائه کنندگان و انتشار نتایج</p> <p>افزایش رقابت بین موسسات بخش خصوصی و دولتی</p> <p>حرکت به سمت واگذاری به مقامات محلی</p> <p>ایجاد فرصت برای مداخله انجمن های اجتماعی</p>	<p>تدابیر اداری</p> <p>تقویت عملکرد گرایی شامل نظارت بودجه های دولتی</p> <p>اصلاح خدمات کشوری برای ارتقا خدمت گرایی</p> <p>تقویت منابع و ظرفیت نهادهای محلی در طراحی خدمات عمومی</p> <p>تضمین استقلال نهادهای تضمین گری</p> <p>تقویت اخلاق خدمات رسانی به مردم در بخش عمومی</p>

۱- انضباط بودجه ای: این سیاست باید در منطقه ای اجرا میشد که تقریباً همه کشورها با کسری بودجه شدید دست به گریبان بوده اند و به بحران موازنه در پرداختها و تورم شدیدی منجر شده بود که بیشتر به فقرا آسیب میزد زیرا ثروتمندان میتوانند پول خود را در خارج از کشور نگه دارند.

۲- تجدید نظر در الویت های مخارج عمومی: این به معنی جابه جایی در هزینه ها در اموراتی مثل پرداخت یارانه های بی فایده به سمت مراقبت های بهداشتی، آموزش و زیر ساخت ها بود و هدف حمایت از فقرا و افزایش رشد اقتصادی را دنبال میکرد

۳- اصلاح نظام مالیاتی: هدف از این سیاست اصلاحی ایجاد یک نظام مالیاتی بود که پایه مالیاتی گسترده را با نرخ حاشیه متوسطی ترکیب میکرد

۴- آزادسازی نرخ بهره

۵- نرخ ارز رقابتی

۶- آزاد سازی تجاری

۷- آزاد سازی سرمایه گذاری خارجی در کشور

۸- خصوصی سازی

۹- مقررات زدایی

۱۰- حقوق مالکیت

جامعه مدنی فی مابین حکمرانی خوب در ایران

دولت و بازار بازیکنان را از صحنه بازی خارج نمیکند هر چند به کرات این دو به هم نیاز دارند، اما هر کدام در صدد تخریب یکدیگر نیز برمی آیند. دولت ها با وضع بیش از حد قوانین و مقررات، اعطایی مجوزهای خاص و گسترش دیوان سالاری به بازارها لطمه می زنند، بازارها نیز از طریق دادن رشوه، اعمال فشار و بده و بستان برای رسیدن به اهداف خود به تخریب دولت می پردازند، بنابراین ضرورت وجود جامعه مدنی آشکار می شود. جامعه مدنی نقش مهمی در ایجاد ارتباطات سازنده بین دولت و بازار دارد، نقش سازمان های خصوصی داوطلبانه روز به روز در حال افزایش است و این سازمان ها به دولت ها و شرکت های انتفاعی نزدیک شده اند، سازمان های مذهبی، گروه های فشار، سازمان های آموزشی و تفریحی، انجمن ها و تعاونی ها از این قبیل هستند. موفق ترین سازمان های غیردولتی در کشورهای جهان سوم سازمان خود اشتغالی زنان در احمدآباد هند یا بانک گرامین در بنگلادش در ادامه فعالیت و گسترش خدمات خود به حمایت دفاع و حضور دولت متکی هستند، در برخی از موقعیت ها نیز دولت نقش انفعالی دارد و در مقابل فشار برخی از گروه های همسو عکس العمل نشان میدهد، لذا نتایج حاصل بستگی به قدرت این گروه ها دارد. قدرت این گروه ها در جای خود به اندازه سابقه، قدرت و مکانیزم های فشار دارد

بر اثربخشی تاکید داشته که خود زمینه پاسخپاسخگویی را فراهم می کند و سبب افزایش بهره وری می شود. البته تحقق این الگو نیازمند بستر مناسب فرهنگی، سیاسی و اجتماعی می باشد. اکنون سوال اصلی مقاله پیش رو این بوده که آیا زیرساخت در جامعه ایران برای اعمال حکمرانی خوب مهیا است؟

نتیجه گیری :

بسیاری از صاحب نظران معتقد هستند که حکمرانی تجویزی نیست با این حال ، برخی از اشکال حکمرانی بدون شک بهتر از سایر اشکال است در مورد عوامل و عناصر تشکیل دهنده حمرانی خوب ، اختلاف نظر زیادی وجود ندارد. تاکید زیاد بر یک ویژگی در حکمرانی ممکن است باعث تعارض شده بطور مثال مشارکت گروهی خوب است اما افراط در آن ممکن است باعث خط مشی گذاری عمومی و اتخاذ تصمیمات توسط افرادی می شود که دانش کمی دارند و التزام به پاسخگویی ندارند. همچنین وجود رسانه های مستقل و مهار نشده ممکن است توجیه نا+ذیر باشد. همچنین در مدل های مختلف حکم رانی سالم بنا بر هر فرهنگ نتایج تغییر پیدا می کند بطوریکه در فرهنگ سودجوی غربی بر کارایی توجه ویژه داشته و برخی از فرهنگ ها بر شعائر دینی یا کارگروهی تاکید دارند. تعیین عوامل تشکیل دهنده حکمرانی خوب منجر به بحث و مناقشه روی هنجارهای فرهنگی و ارزشی و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی دلخواه می شود. در مقاله پیش رو به روند شکل گیری نظریه حکمرانی خوب تعریف و ویژگی های آن و نقش دولت در حکم رانی خوب داشته است. همانطور که گفته شد دولت اصلی ترین بازیگر در حکم رانی خوب محسوب شده و دارای نقش مهم و تاثیر گذاری است. سایر نهادهای مدنی و خصوص با همکاری دولت می توانند فعالیت خود را در اسقرار حکمرانی خوب تسهیل و تسریع نمایند. این مسئله در کشورهای در حال توسعه با چالش هایی مواجه است زیرا مفهوم حکمرانی خوب مبتنی بر اصول لیبرال و متناسب با جوامع توسعه یافته بوده و بیانگر گرایش سیاسی یا ایدئولوژی خاصی می باشد که پیاده سازی آن در جوامع در حال توسعه با موانعی روبرو می شود. به اعتقاد برخی نویسندگان وجود نوعی شکاف بین دولت و ملت در اینگونه جوامع که ریشه در شرایط تاریخی ، اجتماعی و فرهنگی کشورهای در حال توسعه داشته مانع عمده در تحقق حکمرانی خوب بوده است.

از این رو هرگونه تلاش برای ایجاد و استقرار حکمرانی خوب در یک جامعه در حالیکه بسترهای فرهنگی ، اجتماعی و سیاسی آن فراهم نمی باشد نمی تواند رشد سریع فرهنگ دموکراتیک در آن جامعه را به ارمغان بیاورد.

ضرورت وجود ظرفیت و توانایی لازم در بخش دولت برای اجرای سیاست های حکمرانی خوب نیز از نکات مهمی است که بدون توجه به آن حکمرانی خوب امکان پذیر نخواهد بود. لذا دولت هایی که به تازگی مردم سالاری را تجربه می نمایند به جهت عدم وجود زیرساخت های سیاسی ، فرهنگی و اجتماعی موفق به اعمال حکمرانی خوب نشده اند. درک و شناخت مفهوم حکمرانی خوب می تواند معیارهای ارزشمندی را فراهم کند تا به دولت ها و جوامع کمک کند تا درک بهتری از رابطه بین اشکال مختلف نهادی و راههای بدست آوردن سلانت اجتماعی و روانی و اقتصادی برای شهروندان بدست آورند. درک بهتر حکمرانی خوب می تواند یک نقشه راه یا یک مبنایی برای قضاوت در خصوص فرآیندهای آتی اصلاحات نهادی و تکامل در

بخش دولتی فراهم کنند. این می تواند جایگزین مناسب برای کاهش اندازه موسسات دولتی بوده که در سالیان اخیر به عنوان اصلاحات یا خصوصی سازی و برون سپاری از آن یاد می گردد.

منابع و ماخذ:

- ۱- هیوز، آون (۱۳۸۱) مدیریت دولتی نوین ، ترجمه الوانی خلیلی ، معمارزاده نشر مروارید تهران
- ۲- منوریان ، عباس ۱۳۸۹ از دولت خوب تا حکومت داری خوب فصلنامه مدیریت دولتی ش ۴۹
- ۳- طهماسبی ، رضا (۱۳۷۹) درآمدی بر نظریه های مدیریت دولتی ، تهران سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی
- ۴- نیلی پور طباطبایی ، سیداکبر (۱۳۹۹) شناخت وظایف حاکمیتی دولت و اهمیت آن در تنظیم برنامه های راهبردی و نظارت بر عملکرد دستگاه ها
- ۶- خیرخواهان ، جعفر (۱۳۸۵) تغییر دیدگاه ها در اقتصاد توسعه
- ۷- میدری ، احمد (۱۳۸۵) مقدمه ای بر حکم رانی خوب و رفاه اجتماعی دوره شش شماره بیست و دو
- ۸- میرآقایی ، سیدجلال (۱۳۸۹) اهداف و سیاست های کلی حکومت اسلامی با نظر به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی